



خبر

تکذیب یک شایعه درباره نادر طالب‌زاده

دستیار نادر طالب‌زاده، گفت؛ شایعاتی که درباره وخیم بودن حال این کارگردان منتشر می شود، کذب است. هوشیاری وی کامل است و به زودی از سی‌سی‌یو به بخش منتقل می‌شود.

حمید جوادی در گفت‌وگو با ایرنا ضمن اعلام این خبر تاکید کرد: آقای طالب‌زاده بعد از نشست خبری جشنواره عمار راهی بیمارستان شد و هم‌اکنون در بخش مراقبت‌های ویژه قلبی بستری است. امروز (دیروز) ساعت شش و هفت صبح با ایشان صحبت کردم و با هم‌گفتیم و خندیدیم. خوشبختانه حال ایشان بسیار مناسب است. وی با اعلام این خبر که طالب‌زاده از نارسایی قلبی رنج می‌برد، افزود: چند پزشک عروق باید ایشان را معاینه کنند؛ ولی تصمیم نهایی درباره این که چه زمانی به بخش منتقل شوند با دکتر بخشیان است.

اعطای نشان عالی وقف به سیدرضا مؤید خراسانی

نشان عالی وقف به استاد سیدرضا مؤید خراسانی، شاعر برجستهٔ آئینی کشور اعطا شد. حجت‌الاسلام محمد احمدزاده، مدیر کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی با حضور در منزل استادحاج سیدرضا مؤید خراسانی، شاعر برجسته آئینی کشور، از وی عیادت کرد. در این دیدار به پاس قدردانی از یک عمر خدمتگزاری خالصانه به خاندان عصمت و طهارت(ع) در زنده نگه‌داشتن شعر آئینی، نشان‌عالی وقف توسط مدیرکل اوقاف و امورخیریه خراسان‌رضوی او اعطا شد. استادحاج سیدرضا مؤید خراسانی فرزند سیدمحمد متخلص به مؤید در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی در مشهد متولد شد.وی در خانواده‌ای مذهبی و علاقه‌مند به امور دینی پرورش یافت. استاد مؤید با مطالعه اثر ادبی و دیوان‌های سایر شعرا از آغاز جوانی به سرودن اشعار به ویژه مدایح و مرثی‌ا مذهبی پرداخت. وی از شاعران نامور اهل بیت پیامبر(ص) به شمار می‌رود. از سیدرضا مؤید تاکنون سه دفتر شعر به نام «گل‌های اشک»، «جلوه‌های رسالت» و «نغمه‌های ولایت» منتشر شده‌است.

فرش قرمز از جشنواره فیلم فجر حذف شد

یزدان عشیری از تغییرات فضای بصری و دکور جشنواره فیلم فجر در چهلمین دوره آن خبر داد. یزدان عشیری، مدیر روابط عمومی سازمان سینمایی گفت: طراحی دکور، فضای بصری و فرش قرمز جشنواره فیلم فجر در دوره‌های گذشته، بازنمایی از الگوی غرب دوح که امسال اصلاح شد. به گفته وی، در برنامه صبحگاهی سلام تهران شبکه پنج، علی‌وزیریان، دبیر هنری چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر است که با مشاوره‌های او، فضای بصری جشنواره که در دوره‌های گذشته محل الگودهی غلط و ایجاد حواشی بوده‌است، تغییر خواهدکرد.دراین دوره فرش قرمز وجود ندارد.

در آستانه آغاز فجر چهلّم، سوال‌هایی درباره چگونگی زمان‌بندی اکران فیلم‌ها مطرح است که عشیری در این باره توضیح داد، تجربه قرعه‌کشی برای اکران فیلم‌ها در گذشته موفق و عدالت‌محور بوده و این شیوه در این دوره هم تکرار می‌شود. محل حضور اهالی رسانه و منتقدان در جشنواره هم تاکنون مشخص نشده‌و به‌گفته‌عشیری برج میلاد جزو گزینه‌های اصلی برای میزبانی از اهالی رسانه و منتقدان است. دراین دوره ۳۰ سینما با ۶۲ سالن و ۱۵هزار صندلی برای میزبانی از مردم پیش‌بینی شده‌اند. یک‌همایش دروژه به‌همکاری انجمن منتقدان ونویسندگان هم با محوریت جریان‌شناسی نقد در سینما برگزار می‌شود.

ادعای رضا میرکریمی درباره بازبینی «نگهبان شب» توسط افرادی غیر از هیات انتخاب، جزو اولین حواشی چهلمین جشنواره فیلم فجربود. عشیری در این باره عنوان کرد: این تهیه‌کننده به اظهار نظر منتقد نام آشنایی استناد کرده‌بود که البته خود منتقد هم گفت که کدام بخش از فیلم را به چه صورت و در کجا دیده‌است. معمولا در آستانه جشنواره عده‌ای جریان‌سازی رسانه‌ای و موج‌سازی‌هایی برای تبلیغ فیلم‌هایشان انجام می‌دهند. به لحاظ فنی، حقوقی، حرفه‌ای و اخلاقی چنین کاری به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست.

حذف فیلم «مسیح پسر مریم» هم حواشی برای رئیس سازمان سینمایی به دنبال داشت اما به گفته عشیری، این فیلم از هیات انتخاب رای نگرفت و حتی به ضرربی که بتواند در دسته فیلم‌های رزرو قرار بگیرد، هم نرسید.



پایان جشنواره سراسری تئاتر سردار آسمانی

آئین اختتامیه و مراسم تقدیر از برگزیدگان و هنرمندان برتر سومین جشنواره سراسری تئاتر سردار آسمانی امروز در شهر کرمان برگزار خواهد شد. به گزارش ستاد خبری جشنواره سراسری سردار آسمانی، این مراسم از ساعت ۹و۳۰ دقیقه در تالار دانشگاه فرهنگیان شهر کرمان و با حضور هنرمندان، شرکت‌کنندگان و مسوولان کشوری و لشکری برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با نورا هاشمی، بازیگر «بانوی محبوب من» که ستاره این شب‌های تئاتر ایران است

تلاش مَلاش نتیجه می‌دهد!

وقتی در «زردقناری» مهدی هاشمی و گلاب آدینه در نقش نصرا... و همسرش، مشغول صحبت دربارهٔ دخل و خرج و حساب و کتاب زندگی هستند، این فرزندشان نورای کم سن وسال است که آنها را از شروع سریال «سال‌های دور از خانه» با خبر می‌کند و می‌گوید: «بابا نمایین تماشا؟» و کمی بعد هر سه پای تلویزیون کوچک سیاه‌وسفید می‌نشینند تا به قول نصرا... پی به چرایی موفقیت اوشین ببرند. موفقیتی که با صبوری، تلاش و پشتکار به‌دست می‌آید و هرچه رنج و مصیبت و مانع را کنار می‌زنند. چالش‌های نورا هاشمی برای رسیدن به موفقیت قطعاً به دشواری و تلخی مسیر داستانی آن دختر ژاپنی نیست اما وقتی پای نام‌های بزرگی چون گلاب آدینه و مهدی هاشمی در میان باشد و فرزند این دو، قدم به همان مسیر بازیگری گذاشته باشد اما واگرها و دشواری‌ها چشمک می‌زنند و توقعات دربارهٔ بازی او بالاتر می‌رود اما نورا هاشمی در این گفت‌وگو تاکید می‌کند که به هیچ حرف و حدیثی در این ارتباط اهمیت نمی‌دهد و تنها روی تلاش خودش در این زمینه حساب باز می‌کند. البته به قول مزاح نورا هاشمی در همین مصاحبه: «تلاش مَلاش» بالاخره در همیاری کائنات و شانس کارساز است و موفقیت از راه می‌رسد. اگر نسخه دوبله فیلم مشهور و محبوب «بانوی زیبای من» با بازی ادری هیپورن و صدایشگی مهین کسمایی و البته نمایش بانوی محبوب من را روی صحنه دیده باشید، پی به اشاره نمکین هاشمی می‌برید چرا که شخصیت الیزادولیتل، دختری دوره‌گرد و گل‌فروش است که به‌دلیل غلط‌های متعدد کلامی، حسابی نیاز به الک زبانی دارد. مواجّه او با پروفِ‌سور هیگنیز، استاد آواشناسی، مسیر زبانی و زیستی‌اش را تغییر می‌دهد و ادامه ماجرا. برای دانستن بقیه قصه ی‌امی‌توانید سراغ نسخه سینمایی بانوی زیبای من بروید یا ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه این شب‌ها سری به سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر بزنید و به تماشا ی نمایش «بانوی محبوب من» به کارگردانی گلاب آدینه بنشینید. به نظر حتی با وجود علاقه به نسخه مشهور سینمایی، می‌توان از دیدن این نمایش لذت برد و به وجد آمد و طعم ثمره تلاش و موفقیت را چشید. مثل الیزا، مثل اوشین، مثل نورا هاشمی بعد از این.

همین اول کاری، بیاییم و فیلم‌های محبوب شما از سینمای کلاسیک را مرور کنیم؛ برپا درفته، اشک‌ها و لبخندها، کارابلانکا و...
البته کارابلانکا نه خیلی!
عجب.
بله (می‌خندد).
پس تاگزینه‌های اشتباه دیگری مطرح نکردم، بگوید چرا از میان فیلم‌های محبوب‌تان «بانوی زیبای من» را برای بازی و خوانش نمایشی انتخاب کردید؟ به دلیل خاستگاه نمایشنامه‌ای آن و «پیگمالیون» جورج برنارد شاو یا صرفاً از روی علاقه بود یا به‌عنوان یک چالش بازیگری سراغ آن رفتید؟
اول این که به فیلم بانوی زیبای من علاقه‌مند بودم و هستم و دیگر این‌که به موسیقی و آواز هم علاقه دارم.
مثل الیزا مینه‌لی؟
خانم الیزا مینه‌لی هم خیلی جزو علاقه‌مندی‌های من نیست!
چه جالب، هرچه می‌گوییم به در بسته می‌خورم!
(می‌خندد) خیلی بامزه و شیرین است ولی

این که به او علاقه داشته باشم، نه.
شما از بانوی زیبای من، دیگری به چه فیلم‌های موزیکالی علاقه دارید؟
من کلاً به فیلم‌های موزیکال علاقه‌مندم، مثل یک آمریکایی در پاریس، آواز در باران، اشک‌ها و لبخندها و... اما به نظرم دو فیلم بانوی زیبای من و داستان وست ساید، بیشتر از بقیه این ظرفیت را داشتند که به نمایش تبدیل شوند. همیشه و خیلی از قدیم از مامان خواهمش می‌کردم که یکی از این دو فیلم را برای تبدیل شدن به نمایش انتخاب کند. مامان هم درباره این موضوع فکر می‌کرد تا این‌که به دوران کرونا رسیدیم و بعد تصمیم او در این زمینه جدی و قرار شد نسخه نمایشی بانوی زیبای من را به مناسبت پایان کرونا روی صحنه ببرد.

اما فارغ از علاقه شما به نسخه سینمایی اثر و اسرار‌تان برای برگردان نمایشی، بازی در نقش اصلی کار، یک چالش اساسی در بازیگری هم بود؟
حتماً.
یعنی این پیشنهاد و بازی در این نقش، نیاز به جسارتی از سمت شما به‌عنوان بازیگر داشت

لیلا حاتمی رئیس داوران جشنواره وزول شد

لیلا حاتمی در رأس هیأت‌داوران بیست‌وهشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های آسیایی وزول در کشور فرانسه قرار خواهد گرفت. بیست‌وهشتمین دوره این جشنواره از ۱۲تا۱۹بهمن برگزار خواهد شد و فهرست فیلم‌های حاضر در این رویداد سینمایی به‌زودی اعلام خواهد شد. لیلا حاتمی به عنوان رئیس هیأت‌داوران در کنار سوما عارف فیلم‌نامه‌نویس فلسطینی، زیگ دولای کارگردان فیلیپینی و یرلان نورموخامبتوف کارگردان قزاقستانی آثار را داوری خواهند کرد.



خوشبختانه چون تاکید خانم آدینه از همان روز اول این بود که (فیلم را فراموش کنید)، سعی کردیم تا جایی که امکان دارد از فیلم بانوی زیبای من فاصله بگیریم. مثلاً من در جاهایی با شوق می‌گفتم مامان می‌شود فلان صحنه را مثل فیلم اجرا کنیم که می‌گفت نورا فیلم را فراموش کن. این حساسیت نه فقط برای نقش الیزا که برای نقش‌ها و صحنه‌های مختلف هم وجود داشت.

به‌خصوص آموزش‌های وزیر اعظم (زنده‌یاد محمد مطیع) به شبان برای شاه‌شدن، به نوعی شبیه آموزش‌های پروف‌فسور هیگنیز (رضا عمرانی) به الیزا است.
«بدرانید چشم‌هایتان را، بدرانید».
ادری هیپورن و فیلم بانوی زیبای من حس می‌شود اما هرچه جلوتر می‌رویم، به‌ویژه از آن صحنه پیست سوارکاری، کار و بازی شما هویت مستقّلی پیدا و تماشاگر را بیشتر با خود همراه می‌کند و با وجود این‌که احتمالاً مخاطب از سرنوشت شخصیت‌ها و پایان قصه آگاهی دارد اما با کنج‌کاوی، انگار مواجّه اولیه‌اش با چنین اثری است و باز هم پیگیری آخر داستان می‌شود.
خودتان فکر می‌کنید توانسته‌اید از زیر سایه هیپورن و حتی صدای زنده‌یاد مهین کسمایی در نسخه دوبله فارسی خارج شوید؟

بازی کرده‌است (می‌خندد). حالا هم که گفتید شباهتی بین تغییر شخصیت الیزا با نقش‌های بابا در افسانه سلطان‌وشبان پیدا کردید، برایم خیلی جالب است. نه، راستش به آن فکر نکرده بودم.

تغییر شخصیت الیزا از نقش یک دختر عامی به بانویی اشراف‌زاده، از جنبه‌ای شبیه تغییرشخصیت شبان به سلطان در سریال «افسانه سلطان‌وشبان» است. موقع تمرین و بازی در این نقش و کم‌دی حضور در طبقه متفاوت اجتماعی، یاد نقش‌آفرینی پدرتان (مهدی هاشمی) هم افتادید و موقع تمرینات به این موضوع فکر کردید؟ چون به دلیل همسانی شخصیت‌ها، شباهت چهره‌ای و شیوه حرف زدن و میمیک، تا حدودی این تداعی ایجاد می‌شود.
چه جالب. اصولاً شما در نوشته‌هایتان به مسائلی اشاره می‌کنید که به ذهنم هم خطور نمی‌کند. مثل آن یادداشتی که با عنوان «کارمند بازنشسته اداره کارپردازی سازمان برنامه‌ویودجه سابق» نوشته بودید و اشاره کردید که بابا با هشت فیلم، رکورددار بازی در نقش کارمند است. تا قبل از آن اصلاً دقت نکرده بودم که بابا این همه نقش کارمند

دور از او بود که تنها یک نام آنها را به یکدیگر وصل می‌کرد ولی آن نام همچنان برای مخاطب کم‌رنک و دور از درک بود. کم‌کم قصه آقای اصغر آغاز می‌شود. مادر و همسرش از مهر اصغر به خانواده می‌گفتند و پسرش از پدری می‌گفت که هرچند بسیاری از شب‌ها نبود اما همان اندک مدت حضورش نیز در خانه پررنگ بود. یکی از هم‌زمانش می‌گفت اصغر شبیه مهدی باکری است، یکی دیگر می‌گفت اصغر لوتی و با معرفت بود. هم‌زمان سوری‌اش اما با شوق بیشتری نام اصغر را می‌آوردند. یکی‌شان یا لهجه سوری می‌گفت نبود حاج اصغر برای سوری‌ها محسوس‌تر بود. یکی دیگر از مجذوب‌شدن پزشکان روسی به این شخصیت می‌گفت. بالاخره یکی از دوستان اصغر داستان را لو می‌دهد و می‌گوید روزی سردار سلیمانی در جمعی می‌گوید این دیگر اصغر نیست؛ اکبر من است. حالا دیگر مخاطب، می‌فهمد این اصغر همان اصغر جمله «آقای اصغر زشته منو از دوتا گلوله می‌ترسونی؟» سردار سلیمانی است.

اما از دیگر فیلم‌هایی که دیروز به نمایش درآمد بخش «روایت نهضت» یکی از بخش‌های اصلی جشنواره

است که در آن روایت تاریخ انقلاب اسلامی ایران به نمایش درآمده است. دیروز صبح فیلم مستندی در این بخش به نمایش درآمد که از جمله فیلم‌های قابل‌توجه و بحث‌انگیز جشنواره محسوب می‌شود چرا که زندگی و تأثیرگذاری دکتر علی‌شریعتی را به‌عنوان سوزه‌خود انتخاب کرده‌است. این فیلم که کارگردان آن محمدمهدی ابراهیمی‌نصر و تهیه‌کننده‌اش محسن رحیمی است در کانون اندیشه جوان تهیه شده‌است. موضوع این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای به آگاه شدن یکی از

دوستان دکتر علی‌شریعتی از درگذشت وی می‌پردازد. این فرد وقتی خبر فوت ناگهانی دکتر را می‌شنود با توجه به نداشتن زمینه بیماری در این مورد دچار شک و تردید می‌شود و برای پیدا کردن جواب این سؤال در زندگی او شروع به جست‌وجو می‌کند و به این ترتیب فیلم و شخصیت اصلی آن به بازخوانی دوباره‌ای از زندگی شخصی دکتر علی‌شریعتی و عقاید و مبارزات وی می‌پردازد.

یکی از فیلم‌هایی که دیروز در بخش سبک زندگی و خانواده (بسته اکران مردمی دوازدهمین جشنواره فیلم عمار) به نمایش درآمد، فیلم کوتاه و شاعرانه «حس هشتم» به کارگردانی سجاد معارفی و تهیه‌کنندگی سیدصادق حسینی بود که در مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی تهیه شده‌است. داستان این فیلم کوتاه، داستان مرد شاعری است که به مشهد می‌رود و در کوچه‌ها و بازارها می‌گردد و همه جای شهر را خوب نگاه می‌کند. او می‌خواهد شعری برای امام رضا(ع) بسراید اما موفق نمی‌شود. ناگهان دختری که می‌بیند که گم شده و فقط می‌تواند با زبان اشاره حرف بزند. دستش را می‌گیرد تا به حرم برود و در مسیر باهم لحظات خوشی را تجربه می‌کنند. انگار دیگر مرد شاعر نمی‌تواند او را رها کند. وقتی به حرم می‌رسند دختر با زبان اشاره با امام(ع) سخن می‌گوید و مرد شاعر با دین‌ او به خودش می‌آید و متوجه می‌شود از اول، دختری وجود نداشته‌است. در همین بخش فیلم بلند «دومینو» هم به نمایش درآمد که به موضوع خرید و فروش غیرقانونی حیوانات خانگی می‌پردازد. کارگردان فیلم میثم ملکی‌پور و تهیه‌کننده آن محمدرضا عبد الحمیدی است. او

موضوع به‌روزی را انتخاب فیلم متوجه می‌شویم که حیوانات برای پر کردن خ مد شده، جز ظلم به همان حقوقش و آسیب روانی به بسیاری از این حیوانات خا بیچاره، رهاکردن آنان در رب به حیوانات و لگرد و بی‌صا این فیلم هم احتمالاً باوالکند دواتشه حیوانات و نگهد موضوع به‌روزی را انتخاب فیلم متوجه می‌شویم که حیوانات برای پر کردن خ مد شده، جز ظلم به همان حقوقش و آسیب روانی به بسیاری از این حیوانات خا بیچاره، رهاکردن آنان در رب به حیوانات و لگرد و بی‌صا این فیلم هم احتمالاً باوالکند دواتشه حیوانات و نگهد

هیچ سینمایی بی‌ن

در جشنواره عمار، نش «سینمای تمدن‌ساز» برگزار در حسن رحیم‌پورازغدی بر رحیم‌پورازغدی در این نشست الگوسازی، دوقطبی کردن به دلخواه سفارش دهند سناریست و کارگران و تهم با کمک تکنیک‌های فنی سطوح مختلف مؤثر در ط تولیدکنندگان فیلم از ط سینما و داستان، در افکا سبک‌زندگی تأثیری می‌گذارد راتقویت وجریان‌هاوگفتمر که از این جهت فوق‌العاده، رحیم‌پورازغدی تاکید ک تمدن‌سازی به معنای عام